

چالش تشخیص جرائم سیاسی در قانون جرم سیاسی؛ با نگاهی به علت‌ها و آسیب‌ها

علی پزشکی* و کیومرث کلانتری**

| | | | |
|-------------------|--------------------------|-------------------------|-------------------|
| نوع مقاله: پژوهشی | تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۱ | شماره صفحه: ۶۰-۳۵ |
|-------------------|--------------------------|-------------------------|-------------------|

جرم سیاسی از موضوعات مهم حقوقی و سیاسی و دارای پشتوانه علمی، حقوقی و فقهی در تفکیک و تمایز از جرائم عمومی / غیرسیاسی است. اصل (۱۶۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی با شناسایی جرم سیاسی، تبیین و مقررات اجرایی آن را به قانونگذار عادی محول کرده است. نتیجه اهمال حدود چهار دهه قانونگذار عادی، عدم اجرای قواعد مربوط و رژیم ارفاقی در حق مجرمین سیاسی در طول این سال‌ها بود. سرانجام در اردیبهشت سال ۱۳۹۵ قانون جرم سیاسی تصویب و طلسم این قانونگذار شکسته شد. از آنجاکه تشخیص و تمایز جرائم سیاسی از جرائم عادی، لازمه اجرای قواعد ارفاقی آن است، بررسی موضوع قانون جرم سیاسی در این باره، موضوع اصلی مقاله حاضر بوده که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که این قانون در رسالت اصلی خود که همان ارائه روش یا ضابطه‌ای مشخص برای تشخیص جرائم سیاسی از جرائم غیرسیاسی است، با چالش روبه‌رو است. از این رو نیازمند اصلاحاتی است تا مصادیق بارز و واقعی جرم سیاسی را مشمول این عنوان و بهره‌مند از رژیم ارفاقی کند و از تضییق افراطی گستره جرائم سیاسی که در امتداد سیاست کیفری امنیت‌گرایانه اتخاذ شده فاصله گیرد و تردید نهادینه شده نظام قضایی در اجرای قواعد مربوط را مرتفع کند.

کلیدواژه‌ها: جرم سیاسی؛ رژیم ارفاقی؛ قانون جرم سیاسی؛ معیار تشخیص

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (نویسنده مسئول)؛
Email: apezeshki73@gmail.com

** استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران؛
Email: kalantar@nit.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره یکصد و دوازدهم، زمستان ۱۴۰۱

doi: 10.22034/MR.2021.4731.4598

مقدمه

جرم سیاسی از مهمترین موضوعات چالشی در حقوق و سیاست و دارای پشتوانه علمی، حقوقی و فقهی در تفکیک و تمایز از جرائم عمومی / غیرسیاسی است. این گروه از جرائم به دلایل مختلفی از جمله اهداف و داعی خیرخواهانه و اصلاح طلبانه مرتکبان آن، شرایط ارتکاب، طبیعت رفتارهای ارتكابی و موضوع جرم، نیازمند توجه و اعمال سیاست تقنینی و قضایی ویژه هستند که هدف آن تأمین نظارت و حمایت دامن‌دار از متهمان و مجرمان سیاسی در همه مراحل رسیدگی از تعقیب تا محکومیت و اجرای حکم است. از لحاظ عقلی این حمایت و نظارت ضروری است، زیرا فقدان آن اجحاف و استبداد موضع قدرت نسبت به متهم و مجرم سیاسی را محتمل، بلکه مسلم می‌کند، چراکه از ویژگی‌های بدیهی قدرت، عدم تحمل و سرکوب مخالف و منتقد است. از لحاظ حقوقی این مجرمان به دلیل قصد و نیت شرافتمندانه و اصلاح طلبانه استحقاق تخفیف در پاسخ‌گذاری نظام عدالت کیفری را دارند، ضمن اینکه رهیافت‌های جرم‌شناسی و کیفرشناسی نیز بر مبنای توجه به مجرم، علل و شرایط ارتکاب و اهدافی که از جرم‌انگاری و کیفر دنبال می‌شود بر این رژیم ارفاقی تأکید دارند و به لحاظ فقهی تمایز بین بغی و محاربه به رویکرد افتراقی میان آنها اشاره دارد.

«یکی از موضوعات مهم و اساسی در مباحث حقوقی، تقابل «حقوق حاکمیت» و «حقوق شهروندی» در عرصه‌های مختلف است» (میرمحمدصادقی و رحمتی، ۱۳۹۴: ۵). مواجهه حاکمیت با موضوع جرائم سیاسی، همانند جرائم علیه امنیت یکی از عرصه‌های این تقابل است، اما توجیحات مربوط به ترجیح حقوق حاکمیت در جرائم علیه امنیت در خصوص جرائم سیاسی مطرح نیست و تبعیت قانونگذار از رویکرد مشابه دارای تبعات منفی است، چراکه تفاوت مفهومی جرم سیاسی با جرائم علیه امنیت، ترجیح حقوق شهروندی را در این تقابل ضروری می‌کند. به عبارت دیگر ماهیت متفاوت جرائم سیاسی به دلیل برجسته‌ترین ویژگی آن یعنی غیرخشن بودن، برخورداری از انگیزه شرافتمندانه و هدف متعالی مرتکبین

چالش تشخیص جرائم سیاسی در قانون جرم سیاسی؛ با نگاهی به علت‌ها و آسیب‌ها ————— ۳۷

آن در جهت اصلاح و به‌سامانی وضع جامعه، نظام حقوقی جوامع متمدن امروزی را موجب به‌عمل‌آوردن تبعیض مثبت نسبت به مرتکبین این جرائم کرده و تشدید ضمانت‌اجراهای کیفری در حق آنها را مغایر اصول عدالت کیفری می‌داند.

«حقوق فرانسه مبدع و مبدأ مفهوم جرم سیاسی در حقوق جدید محسوب می‌شود» (رحمانی، ۱۳۹۷: ۱۶). این اصطلاح با تصویب اصل (۷۹) متمم قانون اساسی مشروطه در سال ۱۲۸۶ ه.ش وارد ادبیات حقوقی و سیاسی ایران شد.^۱ با پیروزی انقلاب اسلامی، خبرگان قانون اساسی برخلاف تصور شایع در بین فقها که بعضاً محلی برای مجرم سیاسی قائل نبودند، جرم سیاسی را به رسمیت شناختند. مطابق اصل (۱۶۸) قانون اساسی: «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط و اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند».

از این رو در اردیبهشت سال ۱۳۹۵ قانون جرم سیاسی در ۶ ماده به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسید. تصویب این قانون پس از حدود چهار دهه معطلی، برای اولین بار اجرایی شدن قواعد و مقررات مربوط به مجرمین سیاسی را نوید می‌دهد. بر این اساس، هرچند تصویب قانون جرم سیاسی به انتقادهای مبتنی بر اهمال ۳۷ ساله قانونگذار در انجام تکلیف ناشی از اصل (۱۶۸) قانون اساسی پایان داد، با این حال قانون مذکور در رسالت اصلی خود که همان ارائه روش یا معیاری مشخص برای تشخیص جرائم سیاسی از جرائم غیرسیاسی است، دچار تشویش و سرگردانی بوده و به ارائه راهکار برای رفع این چالش نیازمند است تا به کمک آن مصادیق بارز و واقعی جرم سیاسی را مشمول این عنوان و بهره‌مند از رژیم ارفاقی کند و از تضییق افراطی گستره جرائم سیاسی

۱. اصل (۷۹) متمم قانون اساسی مشروطه: «در مورد تقصیرات سیاسی و مطبوعات، هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود».

که در امتداد سیاست کیفری امنیت‌گرایانه اتخاذ شده فاصله بگیرد و تردید نهادینه شده نظام قضایی در اجرای قواعد مربوط را مرتفع کند. در این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مبتنی بر بُعد کاربردی نتیجه پژوهش انجام شده است؛ با بررسی قانون جرم سیاسی در مقام پاسخ به این سؤالات هستیم:

- چالش قانون جرم سیاسی در تشخیص جرائم سیاسی چیست؟

- تعیین قلمرو جرائم سیاسی در این قانون چه ایراداتی دارد؟

- دلیل یا دلایل و آسیب‌های ناشی از این چالش چیست؟

پاسخ به این سؤالات در کنار عزم اجرایی کردن مقررات مربوط به مجرمان سیاسی، توسط مسئولین قوه قضائیه^۱، که خود منجر به توجه بیشتر و روشن شدن ایرادات این قانون در نتیجه پژوهش‌ها و بررسی‌ها می‌شود، نوید تسهیل و تسریع در اصلاح قانون جرم سیاسی را می‌دهد. نتیجه‌ای که باید به پایمال شدن حقوق چندین ساله این گروه از متهمان و مجرمان پایان دهد یا حداقل آن را محدود کند و بر وجهه داخلی و بین‌المللی کشور تأثیر مطلوب گذارد.

۱. پیشینه

اکثر تحقیقات مربوط به جرم سیاسی که مشوق اصلی آنها، علاوه بر وجود یکی از تقسیم‌بندی‌های رایج جرائم به سیاسی و عمومی^۲، اصل (۷۹) قانون اساسی مشروطه و سپس اصل (۱۶۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی بوده است، در زمان قبل از تصویب قانون جرم سیاسی سال ۱۳۹۵ و در راستای زمینه‌سازی تصویب قانون خاص است. اما

۱. بخشنامه ریاست قوه قضائیه در مورخ ۱۳۹۹/۳/۱۳ به مراجع قضایی سراسر کشور در تأکید بر اجرای قانون جرم سیاسی بیانگر این توجه است.

۲. از علل بررسی طبقه‌بندی جرم بر پایه انگیزه، اثرگذاری آن بر «پدیده جرم سیاسی» است (عباس منصورآبادی، حقوق کیفری عمومی ۱، تهران، میزان، ۱۳۹۵).

چالش تشخیص جرائم سیاسی در قانون جرم سیاسی؛ با نگاهی به علت‌ها و آسیب‌ها ————— ۳۹

پس از تصویب این قانون، محدود تحقیقاتی با توجه خاص و ذکر در عنوان به بررسی قانون مذکور پرداخته‌اند که به زمینه و نتایج مهم آنها اشاره می‌شود.

خسروی و اصغری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «قانون جرم سیاسی در سنجه اصل (۱۶۸) قانون اساسی» پس از بیان تاریخچه و انواع ضوابط مطرح در جرم سیاسی، قانون جرم سیاسی را در بیانی مختصرتابع ضابطه مختلط می‌دانند.

کرمی و کرامتی معز (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ در بوته نقد» مهمترین ضعف قانون مذکور را عدم ارائه تعریف دقیق از جرم سیاسی می‌دانند. کلانتری و پارسا (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «نگرشی نو به قانون جرم سیاسی» در بررسی قانون به موضوع‌های مربوط به تکرار جرم، معاونت و شروع به جرم سیاسی و ضعف رژیم ارفاقی پرداخته و اشاره‌ای کوتاه به ضابطه موجود در قانون و احراز با تردید ضابطه مختلط دارد.

رحمانی (۱۳۹۵ و ۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تعریف جرم سیاسی و الزام غیرمصلحت‌گرایانه قانون اساسی» و نیز در کتابی با عنوان جرم سیاسی در حقوق ایران با پرداختن به تاریخ تحولات جرم سیاسی در جهان و ایران و مطابقت آنها با هم به این نتیجه می‌رسد که الزام قانون اساسی در اصل (۱۶۸) برای تصویب مقررات جرم سیاسی (و در نهایت تصویب قانون جرم سیاسی) توسط قانونگذار عادی، خلاف رویکرد مصلحت‌گرایانه قوانین اساسی مرجع و مبدع مفهوم جرم سیاسی در دنیا به شمار می‌رود و بهتر بود که اصل مذکور متروک بماند. نتیجه‌ای که بسیاری از حقوقدانان از جمله نگارنده دیباچه کتاب ایشان، آقای دکتر اردبیلی، به صراحت با آن مخالف هستند.

به این ترتیب تحقیقات موجود با نگرشی کلی و برخی تنها با تشریح مصادیق تصریح شده و امتیازات احصاء شده در قانون مذکور نگارش یافته و تحقیقی خاص در زمینه چالش تشخیص مصادیق جرم سیاسی در قانون جرم سیاسی در کنار توجه به علت‌ها

و آسیب‌های آن و اشاره به رویه قضایی نوظهور آن، موجود نیست. بنابراین با توجه به اهمیت و جنبه کاربردی نتیجه تحقیق ضرورت آن محرز است.

۲. موضع قانون جرم سیاسی در تشخیص جرائم سیاسی

جرم سیاسی از جمله جرائمی است که علاوه بر مشکل در ارائه تعریف جامع و مانع، صرف ارائه تعریف از آن برای حل مسئله اجرای قواعد کفایت نمی‌کند. به عبارتی «حقوقدانان نتوانسته‌اند تعریف قابل اتکایی که مبنای قانونگذاری در نظام‌های حقوقی شود را ارائه دهند» (رحمانی، ۱۳۹۱: ۴۶). این امر نیازمند ارائه روش و معیار برای تشخیص و تمییز آن از جرائم عمومی است، هرچند تعاریف جرم سیاسی نیز براساس این ضوابط شکل گرفته است. از طرفی «اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها»، «فقدان مرزبندی واضح میان جرائم امنیتی و جرائم سیاسی» و غلبه تقنینی و تفسیری این گستره به نفع جرائم امنیتی اهمیت ارائه یک روش یا معیار و ضابطه قانونی را در این باره بیانگر است و در واقع، به صرف ارائه تعریف از جرم سیاسی، اجرای قواعد مربوط به مجرمین سیاسی در نظام قضایی کشور ما را بعید می‌کند.^۱ «تمییز دادن جرائم سیاسی از جرائم عمومی آسان نیست، مگر اینکه قوانین موضوعه ضابطه و روش خاصی را پیش‌بینی کرده باشد» (پیوندی، ۱۳۹۴: ۹۳). «به‌طورکلی دو روش برای بازشناسی جرم سیاسی از دیگر جرائم وجود دارد که هر کدام محاسن و معایبی دارد. این دو روش، احصاء و ضابطه نام دارند» (محمدی جورکویه، ۱۳۸۳: ۵۰). در روش احصاء قانونگذار مصادیق و موارد مشمول جرائم سیاسی را نام می‌برد. این روش از این جهت که کار محکمه را در شناسایی مصادیق،

۱. این ادعا براساس تجربه حدود چهار دهه خلأ تقنینی در خصوص جرم سیاسی و تعطیلی اجرای قواعد آن در کشور اثبات می‌شود. در حالی که در برخی نظام‌های حقوقی مانند کشور فرانسه، خلأ مقررات راجع به جرم سیاسی توسط رویه قضایی پوشش و جبران شده است (سید محمود مجیدی، «تشخیص بزه سیاسی و تأثیر رویه دیوان عالی کشور بر آن در فرانسه»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۱۲، ۱۳۸۶).

تسهیل و از تضييع حقوق مجرمين سياسى در موارد تعيين شده تا حدود زيادى جلوگيرى مى‌کند بهتر است، اما چون «امکان برشمردن همه مصاديق و موارد به طور کامل وجود ندارد» (زينلى، ۱۳۷۸: ۳۱)، گستره واقعى جرائم سياسى نمى‌تواند، مشخص شود. بنابراين يا بايد به صورت محدود و فقط در برخى موارد که اهميت آن کم يا شائبه سياسى بودن آن زياد است (جرائم سياسى خاص)، احصاء شود يا اگر احياناً موارد بيشترى احصاء شود مى‌تواند موجب سوءاستفاده برخى مرتکبين شود که در واقع جرائم آنها سياسى نيست. از اين رو تمسک به روش دوم، يعنى ارائه ضابطه در تشخيص جرائم سياسى از لحاظ منطقى و در راستاى اجراى عدالت كيفرى مطلوب تر است. در اين راستا چندين معيار و ديده‌گاه براى تشخيص جرائم سياسى از ساير جرائم از طرف دکترين ارائه شده است که هر کدام مزاي و معايبى دارند و يا بهتر است بگوئيم هر کدام در وضعيت و حوزه خاصى مناسب تر به نظر مى‌رسد.

سه معيار / سنجه مهم شامل شخصى يا ذهنى^۱، موضوعى يا عينى^۲ و مختلط^۳ است. هرچند معيارهاى ديگرى نيز ارائه شده که با وجود محاسن نمى‌تواند جامعيت لازم را داشته باشند مانند ضابطه‌هاى افکار عمومى، دادرسى، مجازات، شخصيت مجرم و كيفيت وقوع جرم.^۴ در راستاى موضوع تحقيق رجوع به مواد (۱، ۲ و ۳) قانون جرم سياسى براى احراز موضع قانونگذار در ارائه معيار و ملاک تشخيص جرم سياسى در جهت اجراى قواعد افتراقى آن، حائز اهميت بوده و در واقع مهمترين دستاورد مورد انتظار از وضع اين قانون است.

1. Subjective Criteria

2. Objective Criteria

3. Mixed Criteria

۴. غلامرضا پيوندى، جرم سياسى، چاپ دوم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى، ۱۳۹۴.

۲-۱. چالش در ارائه روش ضابطه

قانونگذار در ماده (۱) قانون جرم سیاسی بیان می‌دارد: «هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور، علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود».

توجه به این ماده نشان می‌دهد؛ هرچند در ظاهر امر ضابطه ذهنی^۱ (انگیزه اصلاح امور کشور) و ضابطه عینی^۲ (علیه نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور) و به عبارتی یک ضابطه ترکیبی^۳ مدنظر قانونگذار بوده است، اشاره به جرائم مصرح در ماده (۲) بیانگر این است که قانونگذار به صورت همزمان روش احصاء را نیز در تعیین و تشخیص جرم سیاسی لحاظ کرده است، در حالی که اتخاذ روش ضابطه در کنار بیان استثنائات ضروری ارائه همزمان روش احصاء را منتفی می‌کند.

علاوه بر این اشکال اساسی، موضع حساس و محتاط قانونگذار در تحدید حداکثری دایره جرائم سیاسی موجب شده که پذیرش این روش‌ها در تشخیص جرائم سیاسی مطلق نباشد و مشروط به احراز شرایطی شده که اثبات آن برای متهم دشوار و توسعه و تفسیرپذیری شرایطی که اتهام و جرم ارتکابی را از شمول جرائم سیاسی خارج می‌کند برای قاضی سهل باشد، بنابراین شرایط ایجابی و سلبی تحمیلی به این روش‌ها و ضوابط مغایر «اصل شفافیت و صراحت قانون» بوده و موجب تضییع حقوق متهم و مجرم سیاسی می‌شود، زیرا «توجه به حقوق و آزادی‌های فردی اشخاص، تحدید قدرت طلبی و پرهیز از سوءاستفاده از قدرت ایجاب می‌کند که مقنن عبارات قانون را به‌طور شفاف و صریح تنظیم کند» (حبیب‌زاده، دانش‌ناری و هژبرالساداتی، ۱۳۹۲: ۶۴) و قانون باید از اصول و قواعدی تبعیت کند که سوءاستفاده از آن

۱. بر مبنای این ضابطه، جرم وقتی سیاسی محسوب می‌شود که انگیزه و هدف مرتکب سیاسی باشد.

۲. بر اساس این ضابطه، موضوع و نتیجه حاصل از جرم که ارکان حکومت را شامل می‌شود تعیین‌کننده جرم سیاسی است.

۳. مطابق ضابطه مختلط، احراز انگیزه سیاسی و موضوع سیاسی، به‌طور همزمان برای سیاسی محسوب شدن جرم ضروری است.

چالش تشخیص جرائم سیاسی در قانون جرم سیاسی؛ با نگاهی به علت‌ها و آسیب‌ها _____ ۴۳

منتفی یا حداقل امکان آن بسیار کم باشد (نوربها، ۱۳۸۴: ۱۱۵). از جمله شرایطی که با عبارات مبهم در این ماده عنوان شده عبارتند از: «انگیزه اصلاح امور کشور»، «مدیریت و نهادهای سیاسی»، «سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور» و «قصد ضربه زدن به اصل نظام». این عبارات سؤالات زیادی را طرح می‌کند، از جمله اینکه چون انگیزه امری درونی و باطنی است، احراز انگیزه اصلاح امور کشور چگونه ممکن است؟ آیا صرف اعلام مرتکب به داشتن انگیزه سیاسی و اصلاح، کفایت می‌کند؟ مقام قضایی چه اقداماتی در جهت رد این ادعا یا اثبات انگیزه مغایر انجام می‌دهد؟ مفهوم و گستره نهادهای سیاسی تا کجاست؟ آیا نهادهای حاکمیتی مدنظر است یا دیدگاه حداکثری که همه سازمان‌های دولتی و عمومی را شامل می‌شود؟ سیاست‌های داخلی یا خارجی دارای چه محدوده‌ای است؟ تمام برنامه‌ها و تصمیمات خرد و کلان با هر درجه از اهمیت را شامل می‌شود یا صرفاً مواردی است که ارتباط با مدیریت و منافع راهبردی کشور دارند؟ شرط سلبی شمول جرائم مصرح در ماده (۲) به عنوان جرم سیاسی، «فقدان قصد ضربه زدن به اصل نظام» است و این سؤال مطرح می‌شود چگونه مقام قضایی این موضوع را احراز می‌کند که مرتکب با قصد ضربه زدن به اصل نظام مرتکب جرم شده و یا حتی با ارتکاب جرم به اصل نظام ضربه زده است؟ منظور از اصل نظام چیست و گستره آن کدام مقامات و نهادها و ارزش‌های مدنظر حاکمیت را شامل می‌شود؟ این در حالی است که در جرائمی مثل تبلیغ علیه نظام (ماده ۵۰۰) قانون مجازات اسلامی - تعزیرات نیز در خصوص مفهوم «نظام» اختلاف نظر وجود دارد؛ «به اعتقاد برخی {منظور} «کلیت نظام جمهوری اسلامی» است و شامل اشخاص و مقامات به اعتبار تفوق اداری یا تشخیص معنوی آنها نمی‌شود» (حبیب‌زاده و موسوی مجاب، ۱۳۸۵: ۱۳۳). در مقابل برخی اشخاص و مقاماتی که با شئون و حیثیت نظام و حکومت تلاقی دارند را مشمول این مفهوم می‌دانند (پیمانی، ۱۳۷۵: ۲۱)، از جهتی مطابق اکثر تعاریف ارائه شده برای جرم سیاسی، قصد ضربه زدن به نظام با رفتارهای غیرخشن، جزء ماهیت جرم سیاسی است (عالی‌پور، ۱۳۹۵: ۳۶). در حالی که این قصد در این قانون

به طور صریح عمل ارتكابی را از شمول جرم سیاسی خارج و در حیطه جرائم غیرسیاسی قرار می دهد. پاسخ به این سؤالات نه تنها از طرف حقوقدانان، بلکه توسط مراجع رسمی و قضات می تواند متفاوت باشد و این یعنی فراهم کردن موجبات عبور از قانون مداری و سوءاستفاده از قدرت چراکه ابهامات و تفسیرپذیری عبارات های استفاده شده، مجریان قانون و کنشگران عدالت کیفری را به آن سو سوق می دهد و نتیجه آن در نهایت تضییع حقوق مرتکبان جرائم سیاسی و محرومیت آنان از بهره مندی رژیم ارفاقی و دادرسی عادلانه بوده و به نفع حاکمیت در رسیدن به هدف برخورد قاطع با این گروه از مجرمان منتهی می شود. به این ترتیب مشخص می شود قانونگذار در ارائه روش ضابطه با ایرادات جدی مواجه و تشخیص جرائم سیاسی از این طریق دچار چالش است.

۲-۲. چالش در ارائه روش احصاء

ماده (۲) قانون جرم سیاسی جرائمی را احصاء کرده که با احراز شرایط ماده (۱)، جرم سیاسی محسوب می شوند، این جرائم عبارتند از:

«الف) توهین یا افترا به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهور، وزرا، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسئولیت آنان،

ب) توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی،

پ) جرائم مندرج در بندهای «د و ه» ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده

مصوب ۱۳۶۰/۶/۷،

ت) جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای

اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات،
(ث) نشر اکاذیب».

قانونگذار در این ماده در واقع محدوده کامل جرائم سیاسی کشور را (آن هم با احراز شرایط خاص ایجابی و سلبی ماده (۱)) ترسیم کرده است. سؤالات زیادی در رابطه با ماده (۲) مطرح می‌شود که پاسخ به آنها اشکال در ارائه روش احصاء و در نهایت عدم موفقیت قانونگذار در نیل به اهداف تصویب این قانون و انحراف از مسیر قانون مرجع را بیانگر است. سؤالاتی مانند آیا حقیقت جرائم سیاسی با چند جرم ساده از قبیل توهین، افترا و نشر اکاذیب نسبت به مسئولین مصرح و به صورت حداقلی محقق می‌شود؟ آیا اصل (۱۶۸) قانون اساسی و خبرگان تدوین‌کننده آن از گنجاندن این اصل، در وضعیت سیاسی - اجتماعی ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی که حساسیتی به مراتب افزون‌تر از دهه چهارم انقلاب اسلامی (که تثبیت حاکمیت مبتنی بر مردم‌سالاری دینی از بُعد داخلی و بین‌المللی محقق شده است) را می‌طلبید، این مصادیق را مدنظر داشتند؟ سؤالی که اگر پاسخ آن را مثبت بدانیم باید تصویب این اصل را اقدامی عبث یا غیرصادقانه دانست که به طور قطع منزلت خبرگان قانون اساسی و جایگاه والا و سلسله‌مراتبی قانون اساسی به عنوان میثاق ملت و حکومت به هیچ‌وجه آن را بر نمی‌تابد.

سؤال دیگر آن است که آیا مرتکبان حقیقی جرائم سیاسی اکثراً به این طریق (جرائم مصرح ماده (۲)) برای عملی کردن مخالفت‌ها و تأثیرگذاری بر اصلاح امور و سیاست‌ها متوسل می‌شوند؟ از بررسی‌های مذکور چنین برداشت می‌شود که قانونگذار با تنزیر مفهوم جرم سیاسی عملاً وارد حیطه اعمال مباح و حقوق مشروع شهروندان شده و به نوعی با «برچسب‌زنی مجرمانه»، جرم‌انگاری در این حوزه را قانونی کرده است، حال آنکه این اقدام منع قانونی^۱ و شرعی دارد. از لحاظ فقهی علاوه بر شناسایی فریضه امر به معروف و نهی از

۱. اصل (۸) قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل

منکر از طرف مردم نسبت به حاکم و حاکمیت، فراتر از آن گفته شده: «هنگامی که قیام علیه حاکم جور از باب امر به معروف و نهی از منکر جایز می‌شود رفتار قیام‌کنندگان مباح است و ذیل عنوان قانونی بغی قرار نمی‌گیرد، زیرا عنصر قانونی بغی قیام در برابر حاکم عادل است» (الهام، بحیرایی و فرج‌پور اصل مرندی، ۱۳۹۷: ۱۸).

درباره بند «پ» ماده (۲) باید گفت در ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب مصوب ۱۳۶۰ جرم‌انگاری مطرح نیست و توصیه‌های اخلاقی مدنظر است، زیرا در این ماده آمده: «گروه‌های موضوع این قانون باید در نشریات، اجتماعات و فعالیت‌های دیگر خود از ارتکاب این موارد خودداری کنند: الف) ... د) نقض آزادی‌های مشروع دیگران، ه) ایراد تهمت، افترا و شایعه‌پراکنی».

در ماده (۱۷) این قانون نیز تخطی از بندهای ماده (۱۶) با عنوان تخلف قابل رسیدگی بیان شده به اضافه اینکه موارد بند «ه» به نوعی در بندهای «الف و ب» ماده (۲) قانون جرم سیاسی ذکر شده است. از این حیث نیز ماده مذکور دارای ایراد بوده و نیازمند اصلاح است.

ایراد دیگر در این ماده، عدم تعیین مجازات برای جرائم احصاء شده به عنوان جرائم سیاسی است؛ چرا که «از معیارهای ماهوی قانونگذاری کیفری... تناسب جرم و مجازات {بوده}» (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۲۵). یکی از مؤلفه‌های ارفاقی اساسی جرائم سیاسی، اخف بودن مجازات آن نسبت به مرتکبان جرائم عادی مشابه است که در این قانون مراعات نشده است. ایراد دیگر اینکه برخی جرائم خشونت‌بار در مقررات راجع به انتخابات وجود دارد که شمول آن با عنوان جرائم سیاسی، محل تردید است و قانونگذار توجهی به آن نکرده است. ایراد دیگر که در واقع از نشانه‌های پایبندی قانونگذار به سیاست کیفری امنیت‌گرایانه است، عدم شمول توهین به مقام عالی کشور در محدوده جرائم سیاسی و به

چالش تشخیص جرائم سیاسی در قانون جرم سیاسی؛ با نگاهی به علت‌ها و آسیب‌ها ————— ۴۷

عبارتی، احتراز از دخالت در قلمرو صلاحیتی دادگاه انقلاب است، موارد مذکور سخت‌گیری و حساسیت قانونگذار در مضیق کردن حداکثری مصادیق جرائم سیاسی را نشان می‌دهد که نتیجه مستقیم آن تثبیت اکثر این مصادیق در حوزه جرائم امنیتی است.

بر این اساس قانونگذار باید یکی از روش‌های تشخیص جرائم سیاسی اعم از ضابطه یا احصاء را برگزیده و ارائه می‌کرد و عدم رعایت آن از عمده ایرادات قانون است، مقنن در ارائه روش احصاء نیز مطلوب عمل نکرده و تزییق افراطی گستره جرائم سیاسی به صور مذکور بیانگر چالش قانون در ارائه این روش است. این وضعیت کاملاً مغایر با رویکرد شناسایی مجرمین سیاسی در نظام حقوقی کشور است «وجود مجرمین سیاسی در یک جامعه ... می‌تواند زمینه‌سازی نقد و اصلاح امور را به همراه داشته باشد ... و موجب جلوگیری از انحراف و فساد شود» (نجفی توانا، ۱۳۹۲: ۱۷۱). از این رو شناسایی منطقی جرائم سیاسی در قانون هم از جنبه داخلی به نفع حاکمیت و کشور است و هم از بُعد بین‌المللی، چرا که یکی از نشانه‌های مردم‌سالاری از نگاه این بُعد، نقد و مخالفینی است که حاکمیت و مردم باید آنها را قبول و تحمل کنند و این تضاد و تکرر آرا موجب بهبود اوضاع خواهد شد (همان). حال آنکه موضع قانونگذار ما در بسیاری از مواقع با تسامح همراه نیست و گاهی دولت با نهایت سرعت و شدت به جرم‌انگاری و وضع قانون اقدام می‌کند (محمدنژاد و تاجیک، ۱۳۹۷: ۱۵۴) موضوعی که در تصویب قانون جرم سیاسی کاملاً مشهود است و برون‌رفت از آن نیازمند اعمال اصلاحات در موارد مذکور است.

۳-۲. اشکال در بیان استثنائات جرم سیاسی

هدف و انگیزه در جرائم سیاسی نه نفع شخصی بلکه مصلحت و نفع عمومی است، برخی از جرائم دارای خصوصیتی هستند که با این هدف و انگیزه همسویی ندارند، گرچه با انگیزه سیاسی ارتکاب یافته باشند (پیوندی، ۱۳۷۹: ۹۱) و استثناء برخی جرائم از شمول جرائم سیاسی بر این مبناست. قانونگذار در ماده (۳) قانون جرم سیاسی استثنائات جرائم سیاسی را این‌گونه بیان می‌کند: «مباشرت، مشارکت، معاونت و شروع به جرائم زیر جرم سیاسی محسوب نمی‌شود:

- الف) جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات،
- ب) سوء قصد به مقامات داخلی و خارجی،
- پ) آدم‌ربایی و گروگان‌گیری،
- ت) بمب‌گذاری و تهدید به آن، هواپیماربایی و راهزنی دریایی،
- ث) سرقت و غارت اموال، ایجاد حرق و تخریب عمدی،
- ج) حمل و نگهداری غیرقانونی، قاچاق و خرید و فروش سلاح، مواد مخدر و روانگردان،
- چ) رشوا و ارتشا، اختلاس، تصرف غیرمجاز در وجوه دولتی، پولشویی، اختفای اموال ناشی از جرم مزبور،
- ح) جاسوسی و افشای اسرار،
- خ) تحریک مردم به تجزیه‌طلبی، جنگ، کشتار و درگیری،
- د) اختلال در داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به کار گرفته شده برای ارائه خدمات ضروری عمومی یا حاکمیتی،
- ذ) کلیه جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی اعم از جرائم ارتكابی به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده و غیر آن».

ایراد اصلی ماده ذکر شده این است که با وجود تعیین ضوابط و شرایط در ماده (۱) و انتخاب روش احصاء در ماده (۲) نیازی به وضع این ماده نبود، چراکه با نبود

آن نیز هیچ کدام از جرائم تصریح شده، مشمول جرائم سیاسی نمی‌شود. اما اگر روش احصاء ذکر نمی‌شد و صرفاً معیار و ضابطه برای تشخیص جرائم سیاسی ارائه می‌شد ذکر استثنائات ضروری می‌توانست مؤثر باشد.

در کنار شرایط و ضوابط ارائه شده در ماده (۱) که نیازمند اصلاح است، برخی از موارد استثنا شده این ماده نیز تحت شرایطی می‌تواند مشمول جرائم سیاسی باشد که البته نیازمند بسترسازی در قوانین کیفری از جمله قانون مجازات اسلامی است. به عنوان مثال قانونگذار کیفری ایران در خصوص جرائم حدی که مصادیق آن شامل محاربه و افساد فی الارض می‌شود، روشی توسعه‌ای در پیش گرفته و در واقع برخی جرائم را که با تعریف و ساختار فقهی آنها مطابقت ندارد؛ با توجیحات امنیتی وارد محدوده جرائم مستوجب حد کرده و به این طریق برخی از جرائم تعزیری که می‌تواند از مصادیق جرائم سیاسی باشد را عملاً از سیطره آن خارج کرده است. به عبارت دیگر ماهیت «جرائم علیه نظام سیاسی، هیچ سنخیتی با ارکان محاربه و افساد فی الارض ندارند» (حائری، قبولی درافشان و موسوی مشهدی، ۱۳۹۱: ۵۱) و می‌تواند تحت شرایطی جرائم سیاسی محسوب شوند، از این حیث نیز تجدید نظر در موضوعات مرتبط قوانین جزایی، می‌تواند اصلاحات قانون جرم سیاسی را تسهیل کند.

با مذاقه و بررسی مواد (۱، ۲ و ۳) از قانون جرم سیاسی روشن می‌شود که قانونگذار ضابطه روشن و قابل اجرا در جهت تشخیص جرم سیاسی از جرائم عمومی / غیرسیاسی ارائه نمی‌دهد، بلکه تشویش و حساسیت مقنن در خصوص رعایت حداکثری احتیاط نسبت به محدودسازی گستره جرائم سیاسی و عدم تعدیل سیاست سخت‌گیری افراطی در جرائم علیه حاکمیت و امنیت موجب شده تا با توسل به روش‌ها و شروط مختلف، محدودیت حداکثری برای احراز عنوان جرم سیاسی اعمال کند و با لحاظ شرایط ایجابی و سلبی که سابقه آن را در هیچ قانون و نظریه‌ای نمی‌توان یافت مانند «فقدان قصد ضربه

زدن به اصل نظام» در کنار احصاء محدود جرائم مشمول در ماده (۲)، و استثنائات ماده (۳)، عملاً ارائه و استخراج ضابطه‌ای مشخص برای تشخیص و تمییز جرائم سیاسی را منتفی و قانون مذکور را با چالش جدی در انجام رسالت اصلی خود مواجه کرده است. در حالی که این خوانش و تفسیر از اصل (۱۶۸) قانون اساسی (تهی کردن مفهوم جرم سیاسی از فلسفه وجودی با تزییق حداکثری مصادیق) کاملاً مغایر با هدف و مشی قانون اساسی است، چرا که «... {بنیان} قانون اساسی حفظ حقوق و آزادی‌های مردم است در مقابل دولت، نه حفظ قدرت دولت در مقابل مردم» (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۳۳۳).

از سویی براساس انتقاداتی که به سیاست کیفری تقنینی، از لحاظ جرم‌انگاری حداکثری و فربه کردن گستره جرائم علیه امنیت و حکومت به آن وارد است،^۱ قانونگذار می‌توانست از تصویب قانون جرم سیاسی به مثابه فرصتی در جهت تعدیل این افراط، تحکیم مناسبات سیاسی با شهروندان، تقویت اعتماد عمومی نسبت به حکومت و گامی در جهت رعایت حقوق بنیادین و آزادی‌های سیاسی شهروندان، بهره‌برداری کند.

رویکرد قانون جرم سیاسی به لحاظ فقهی نیز مردود است، چرا که «فقیهان شیعه و اهل سنت در طول تاریخ فعالیت فقهی خویش، هوشیارانه و آگاهانه حوزه جرائم علیه امنیت عمومی و شهروندان را از حوزه جرائم علیه دولت و حکومت تفکیک کرده‌اند و همیشه از حاکمان خواسته‌اند در مقابله و سرکوب مخالفان سیاسی خویش (بغات) به الزامات و قواعد این کار پایبند باشند» (آقابابایی، ۱۳۸۴: ۳۱). سخنرانی مقام معظم رهبری در دوره دوم مجلس شورای اسلامی و در سمت ریاست جمهوری، در تطبیق موضوع جرم سیاسی با اصول قانون اساسی قابل توجه است: «ما نباید به قانون اساسی

۱. در جمهوری اسلامی گاه با این پیش‌فرض عامیانه که کیفرهای شدید مثل اعدام، راه‌حل بسیاری از مشکلات است، پیوسته دایره جرائم حدی و امنیتی توسعه یافته است. به عنوان نمونه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ جرم بغی در شمار جرائم حدی و مستوجب اعدام است؛ امری که پیشینه فقهی ندارد (برای مطالعه بنگرید: رضا نوبهار، «مجازات اعدام: چشم‌اندازی اسلامی»، فصلنامه مدرس حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۱، ش ۱، ۱۳۹۹).

نگاه‌گزینشی داشته باشیم و اصولی را که در آن حقوق حکومت آمده، در جهت اجرایی شدن آن با تمام ظرفیت و توان اقدام کنیم، ولی آنجا که پای حقوق مردم و آحاد جامعه در بین است، مغفول بماند یا تعلل کنیم». یکی از مثال‌های ایشان همین اصل (۱۶۸) قانون اساسی است (عباسی فرد، ۱۳۹۱: ۱۹۶).

۳. علت‌ها و آسیب‌های چالش در تشخیص جرائم سیاسی

علت اتخاذ سیاست مذکور در قانون جرم سیاسی، چنانکه در میان مباحث اشاره شد، همسوسازی آن با سیاست سخت‌گیری نظام عدالت کیفری در جرائم علیه امنیت و تبعیت آن از رویکرد امنیت‌گرایانه سیاست کیفری^۱ است. به عبارت دیگر سیاست کیفری امنیت‌مدارانه قانونگذار، مانع از آن شده است که در قانون جرم سیاسی، حداقل‌های مدنظر و شناسایی شده در قانون اساسی در خصوص جرائم سیاسی تحقق یابد. چرا که «مقنن در حوزه امنیت، در تقابل بین آزادی و امنیت، دامن امنیت را گرفته و با جرم‌انگاری گسترده و خارج از ضوابط جاافتاده حقوق کیفری سعی در پاسداری از ارزش‌های مدنظر خویش را دارد» (کوشکی و علیزاده سرشت، ۱۳۹۴: ۱۰۸). در حالی که امنیت‌گرایی یکی از بنیادهای ناروایی است که بر پیکره سیاست جنایی تحمیل می‌شود و به معنای جریان انحرافی در تشکیل یک فرایند پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه است (قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۴۲) و تحقق، حفظ و استمرار امنیت در صورتی است که سیاست امنیتی در مقام حمایت از ملت و تحت نظارت قرار دادن حکومت باشد (رضایی، ۱۳۹۷: ۷۶). بنابراین هر چه سیاست کیفری بر حفظ الگوهای امنیتی اصرار ورزد در تقابل با سیاست کیفری عدالت‌مدارانه

۱. رویکرد امنیت‌مدار سیاست جنایی کشور به مرور در بعضی زمینه‌ها تشدید یافته و به یکی از ویژگی‌های سیاست جنایی کشور تبدیل شده است (محمد رحمانی، مبانی سیاست جنایی تراز جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۴). هرچند در این راستا دولتمردان در جهت اعمال سیاست‌های خود، ترس از جرم را مدیریت و هدایت می‌کنند و به وسیله آن به خوبی توجیه‌کننده نیاز به وجود حکومتی اقتدارگرا هستند (امیر پاک‌نهاد، «احساس ناامنی و ترس از جرم»، آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۵، ۱۳۹۲).

قرار می‌گیرد (افشین پور و نقوی، ۱۳۹۷: ۱۲۷) و حراست از نظم و انضباط موجود نباید به گونه‌ای باشد که راه را به سوی نظمی متعالی‌تر و کیفی‌تر ببندد (نوبهار، ۱۳۹۸: ۵۹).

ضرورت ارائه معیار و تبیین مصادیق جرم سیاسی، نباید موجب جرم‌انگاری هرگونه ایراد نقد علیه برخی از مدیران، سازمان‌ها، سیاست‌ها، قوانین و یا بیان نظری متفاوت شود. از این رو قانون جرم سیاسی به صورت فعلی مغایر با اهداف و عملکرد قانون اساسی است، زیرا «چکیده رویکرد نویسندگان قانون اساسی این بوده که بزه سیاسی نباید به گونه‌ای شناسانده شود که خود ناقض دیگر اصل‌های قانون اساسی به ویژه فصل حقوق ملت شود» (عالی پور، ۱۳۹۵: ۳۸). از این رو عبارات مصرح در ماده (۱) و دایره شمول محدود ترسیمی ماده (۲)، عملاً انتقاد از سیاست‌های دولت را به تعطیلی می‌کشاند. در حالی که «اصل نقد حاکمیت سیاسی امری مطلوب و مقدس است، زیرا به کارآمدی و سلامت نهاد حکومت و پیشگیری از استبداد کمک می‌کند» (نوبهار، ۱۳۹۳: ۱۴۰). بر این اساس قانون جرم سیاسی در رویکردی مغایر با قانون اساسی، با محدودسازی حداکثری مصادیق جرم سیاسی عملاً مجبور است به دلیل افراط در حساسیت نسبت به حفظ انتقادناپذیری حاکمیت و نیز برای حفظ عنوان و ظاهر قانون، متعرض رفتارهای مباح و مشروع شهروندان شده و با جرم‌انگاری غیرمجاز، انتقادات از حاکمیت را در قالب جرم سیاسی تعقیب و محاکمه کند، در حالی که جرم سیاسی در یک دیدگاه حداقلی، در محدوده‌ای میان جرائم علیه امنیت از یک سو و رفتارهای مجاز و مشروع شهروندان از سوی دیگر قرار دارد. هرچند انتظار از قانونگذار این نبود که از دیدگاه حداکثری پیروی کرده و جرائم علیه امنیت را که مشخصه بارز آن خشونت، جنگ‌افروزی، غارت و کشتار مردم است؛ حتی با احراز انگیزه‌های سیاسی در زمره جرائم سیاسی قرار دهد، ولی انتظار می‌رفت که با اتخاذ رویکردی میانه براساس دیدگاه حداقلی، جرائم علیه نظام سیاسی را که بدون خشونت و با احراز ضوابط و شرایط متعادل قانونی شائبه سیاسی بودن آنها مورد تردید نیست، مشمول عنوان جرم سیاسی و

چالش تشخیص جرائم سیاسی در قانون جرم سیاسی؛ با نگاهی به علت‌ها و آسیب‌ها _____ ۵۳

بهره‌مند از رژیم ارفاقی آن می‌کرد. آسیب‌های موضع فعلی قانون جرم سیاسی در تشخیص جرائم سیاسی عبارت‌اند از:

الف) اقدام مخالف با اصول تثبیت شده حقوق کیفری از جمله اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و اصل شفافیت قوانین کیفری،

ب) مخالفت با رویکرد قانون اساسی در خصوص آثار حقوقی شناسایی جرم سیاسی و نیز اصول مربوط به حقوق ملت،

ج) مغایرت با قواعد حقوق بشری (حقوق شهروندی) و ترجیح ناموجه حقوق حاکمیت بر آن،

د) مغایرت با قواعد اسلامی و فقهی در رویکرد افتراقی نسبت به جرم سیاسی (بغی) و قواعد مربوط به امر به معروف و نهی از منکر و حقوق متقابل مردم و حاکم،

ه) تمرکز و توسعه سیاست جنایی امنیت‌گرایانه و عواقب ناشی از تداوم و تشدید آن به جای استفاده از زمینه‌های موجود برای تعدیل این سیاست‌ها،

و) مغایرت با حقوق و آزادی‌های سیاسی فردی و تأثیر بر ارتکاب جرائم سیاسی و تروریستی،
ز) مسدود کردن راه دریافت مفهوم واقعی جرم سیاسی برای نظام قضایی در جهت اجرای قواعد مربوط.

به این ترتیب قانون جرم سیاسی با فلسفه وجودی جرائم سیاسی مغایر بوده و هدف از تصویب این قانون را منحرف به نیت فرار از تبیین جرم سیاسی از طرف حاکمیت و تحکیم موضع تضييع حقوق مجرمان سیاسی می‌کند، حال آنکه داعی از وضع قانون جرم سیاسی، اعطای حقوق و آزادی‌های ملت و تقویت تحمل‌پذیری و مدارای سیاسی حاکمیت نسبت به شهروندان است. بر این اساس تساهل نه تنها در روابط بین افراد جامعه ضروری است،

۱. طرح‌ها و لوایح جرم سیاسی در این باره مطلوب‌تر عمل کرده بودند. به عنوان مثال جرائم مذکور در مواد (۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۱۷، ۵۷۰، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۹۷ و ۶۹۸) قانون مجازات اسلامی - تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ با احراز شرایطی جرم سیاسی محسوب می‌شدند، در حالی که قانون فعلی بیانگر روی‌گردانی و تغییر موضع حداکثری قانونگذار نسبت به سوابق مذکور در پی تبعیت از مفهوم خودساخته درون سیستمی از جرم سیاسی است (در خصوص مطالعه جرائم سیاسی درون سیستمی و برون سیستمی رک. جلیل محبی، «بایسته‌های تعریف جرم سیاسی در قاموس حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ش ۳۱، ۱۳۸۹).

بلکه در رابطه میان حاکمیت و مردم نیز اجتناب ناپذیر است، زیرا تساهل نتیجه منطقی احترام به آزادی دیگران و یک ضرورت اجتماعی است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۰: ۸۲). عدم پابندی حکومت به این اصل می‌تواند به نارضایتی عمومی و حتی افزایش جرائم سیاسی منجر شود، زیرا «بیشتر بزه‌های سیاسی در اثر نبود ظرفیت کافی از سوی دولتمردان یا انتقاد ناپذیری آنها رخ می‌دهد» (عالی‌پور و کارگری، ۱۳۹۶: ۱۵۲) و می‌تواند در کنار عوامل دیگر در بروز اقدامات تروریستی نیز مؤثر باشد. ممکن است تروریست‌ها ناراضیانی باشند که نسبت به سیاست‌ها و نهادهای سیاسی خاصی انتقاد و اعتراض داشته باشند؛ ممکن است آنها از مبارزات و مقاومت‌های عادی و قانونی بر ضد دولت‌ها ناامید شوند و برای رسیدن به اهدافشان به آخرین حربه یعنی اقدامات تروریستی متوسل شوند (میرمحمدصادقی و قدیری بهرام‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۰).

این امر بیانگر موضع سرگردان قانونگذار در تشخیص جرائم سیاسی است که با ساده‌انگاری موضوع یا به نوعی پاک کردن صورت مسئله، مشکل جرم سیاسی در نظام تقنینی و قضایی کشور را حل نکرده و انتظارات از تصویب آن را تأمین نمی‌کند. نتیجه عاید از این موضوع، تهی‌سازی مفهوم جرم سیاسی از فلسفه وجودی آن است. بنابراین کاربردی‌سازی قضایی و نافعیت سیاسی - اجتماعی این قانون نیازمند اصلاحات از طریق اتخاذ روشی مشخص برای تشخیص جرائم سیاسی، حذف شروط اضافی و خودخواسته و استفاده از عباراتی صریح و شفاف و غیرقابل تفسیر و توسعه، همسو با آموزه‌های اسلامی و رهیافت‌های

جرم‌شناسی و کیفرشناسی است تا با شروع اقدام رویه قضایی^۱ مشکل ناکارآمدی این

۱. توجه به موضوع برگزاری چند دادگاه جرائم سیاسی از مهرماه سال ۱۳۹۹ به بعد، فروغ‌بخش امید اجرای قواعد جرم سیاسی و تسهیل اصلاح قانون با روشن شدن معایب و مشکلات و تطبیق آن با انتظارات مردم است، هرچند سرعت این روند و رسیدن به نقطه مطلوب با توجه به موضع سرسخت حاکمیت در خصوص موضوع آهسته است. اخباری که از این دادگاه‌ها (با وجود اشکالات و انتقادات از جنبه‌های مختلفی که به جریان برگزاری آنها وارد است) اطلاع‌رسانی شده به این شرح است: نخستین پرونده جرائم سیاسی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران در روز یکشنبه بیستم مهرماه

قانون را رفع و تردید نهادینه شده نظام قضایی (متأثر از نظام سیاسی) در جهت اجرای قواعد مربوط به جرائم سیاسی را مرتفع و بر وجهه داخلی و بین‌المللی کشور اثر مطلوب گذارد.

۴. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تشخیص و تمایز جرائم سیاسی از جرائم غیرسیاسی، لازمه اجرای قواعد ارفاقی و دادرسی ارفاقی نسبت به مجرمان سیاسی است و اهمیت فراوانی دارد. از این رو ارائه روش یا معیار برای این تشخیص ضروری است. به‌طور کلی دو روش در این باره وجود دارد: احصاء و ضابطه.

تصویب قانون جرم سیاسی در اردیبهشت سال ۱۳۹۵ برای اولین بار اجرای قواعد ارفاقی مجرمان سیاسی (با وجود اصل (۱۶۸) قانون اساسی) را در کشور نوید می‌دهد. در مقاله حاضر موضع این قانون در خصوص تشخیص جرائم سیاسی بررسی شد، با ملاحظه سه ماده اول قانون جرم سیاسی چنین برداشت می‌شود که قانونگذار برای تشخیص و

سال ۱۳۹۹ در شعبه ۹ دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد و علیرضا زاکانی به عنوان متهم جرم سیاسی بابت مصاحبه در برنامه تلویزیونی تهران ۲۰ شبکه پنج سیمای جمهوری اسلامی با شکایت وزارت اطلاعات مبنی بر نشر اکاذیب در دادگاه حضور یافت و پس از روند اجرای دادگاه و نظر هیئت منصفه که به اتفاق آرا مبنی بر مجرم نبودن متهم بود، حکم برائت صادر شد. دومین پرونده جرم سیاسی که در شعبه ۹ دادگاه کیفری یک استان تهران در خصوص متهم نعمت احمدی با اتهام نشر اکاذیب برگزار شد، هیئت منصفه به اتفاق آرا متهم را مجرم تشخیص داد. این هیئت با اکثریت آرا درعین حال مستحق تخفیف دانست و بر این اساس حکم دادگاه بر محکومیت متهم به پرداخت جزای نقدی صادر شد. گفتنی است موضوع اتهام در این پرونده مربوط به مصاحبه وی با *روزنامه اعتماد* و انتقاد از نهادهای نظارتی در خصوص برخی فسادها در سازمان‌ها و نهادها و شکایت سازمان بازرسی کل کشور با عنوان نشر اکاذیب بوده است. سومین پرونده جرم سیاسی مربوط به حسام‌الدین آشنا، مشاور رئیس جمهوری است که در تاریخ دوم آذر ۱۳۹۹ در شعبه ۹ دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد. دادگاه وی به عنوان متهم جرم سیاسی بابت دو مورد اتهام نشر اکاذیب با شکایت معاونت فضای مجازی دادستانی کل کشور و همچنین شکایت سرپرست دادسرای فرهنگ و رسانه تشکیل شد. هیئت منصفه رسیدگی به جرائم سیاسی پس از استماع دفاعیات متهم و وکیل وی، به اتفاق آرا حسام‌الدین آشنا را در هر دو مورد اتهامی مجرم شناخت. همچنین با اکثریت آرا ایشان را مستحق تخفیف دانست و حکم دادگاه به پرداخت جزای نقدی صادر شد. چهارمین پرونده جرائم سیاسی در روز یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۹ در شعبه ۹ دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد که مربوط به محمدعلی وکیلی، مدیر مسئول روزنامه ابتکار به اتهام نشر اکاذیب بود که هیئت منصفه جرائم سیاسی با اکثریت آرا متهم را مجرم ندانست و رأی دادگاه مبنی بر برائت وی صادر شد (سایت خبری الف، ۱۳۹۹/۱۱/۱۲؛ خبرگزاری فارس، ۱۳۹۹/۹/۲).

احراز جرائم سیاسی در ظاهر امر، ترکیبی از ضابطه ذهنی و ضابطه عینی را به دلیل کاربرد عبارات «انگیزه اصلاح امور کشور» و «علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور» مدنظر دارد. اما با دقت در تصریح به جرائم ماده (۲) که بیانگر روش احصاء در تشخیص جرائم سیاسی است مشخص می‌شود قانونگذار در این زمینه دچار تشویش است، چرا که ارائه روش ضابطه در کنار بیان استثنائات ضروری نیاز به ارائه روش احصاء را منتفی می‌کند که خود روشی مستقل برای تشخیص جرائم سیاسی است. همچنین شرایط ایجابی و سلبی تحمیلی به روش‌های تشخیص جرم سیاسی در ماده (۱) با عبارات تفسیرپذیر مانند «عدم قصد ضربه زدن به اصل نظام» بر ابهام و تشویش موضع قانونگذار افزوده و نشان می‌دهد قانونگذار از ارائه روش و معیاری مشخص برای تشخیص مصادیق جرائم سیاسی که رسالت اصلی مورد انتظار از تصویب قانون مذکور است، عاجز مانده است. این رویکرد نشئت گرفته از سیاست کیفری سخت‌گیرانه و امنیت‌مدار مقنن در خصوص جرائم علیه نظام سیاسی و جرائم علیه امنیت و پایبندی به سنت همسان‌انگاری این دو گروه از جرائم است که آسیب‌های آن بیان شد.

قانونگذار در ماده (۲) با احصای معدودی از جرائم کم‌اهمیت و عمدتاً فاقد شئون سیاسی به ترسیم دایره شمول جرائم سیاسی در نظام کیفری کشور پرداخته است و در واقع با تحدید افراطی مصادیق جرائم سیاسی و تنزیر مفهوم جرم سیاسی، وارد حیطه اعمال مباح و رفتارهای مشروع شهروندان شده و به عبارتی با «برچسب زنی مجرمانه»، جرم‌انگاری انتقاد از حاکمیت را جایگزین مصادیق واقعی جرم سیاسی کرده که مغایر اصول حقوقی و شرعی است.

در نتیجه قانونگذار برای نیل به هدف از وضع قانون جرم سیاسی و اجرایی کردن مقررات آن باید جرائم علیه نظام سیاسی که در حال حاضر با عناوین جرائم امنیتی رسیدگی می‌شوند را با احراز ضابطه قانونی، مشمول عنوان جرم سیاسی قرار دهد، به

چالش تشخیص جرائم سیاسی در قانون جرم سیاسی؛ با نگاهی به علت‌ها و آسیب‌ها _____ ۵۷

عبارتی مقنن برای انجام رسالت خود به صورت واقعی (و نه نمایشی)، باید پیکره جرائم سیاسی را از محدوده جرائم علیه امنیت شکل دهد. در این راستا متن و موارد پیشنهادی ذیل می‌تواند جایگزین مواد بررسی شده قانون مذکور شود:

«هرگونه رفتار غیرخشن، در قالب یکی از جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی چنانچه با قصد مخالفت با نظام جمهوری اسلامی ایران و در راستای اصلاح سیاست‌ها، برنامه‌ها و عملکردها توسط اشخاص تبعه کشور ارتکاب یابد، جرم سیاسی محسوب می‌شود».

همچنین باید موارد ذیل در ماده قانونی تصریح شود:

- مجازات جرم سیاسی بر اساس رویکرد ارفاقی در قالب مجازات تعزیری دارای حداقل و حداکثر تعیین گردد.
- ذکر شود که منظور از «نظام جمهوری اسلامی» همان ولایت فقیه، جمهوریت، اسلامیت، استقلال و تمامیت ارضی کشور است.

- تأکید شود که انتقاد و بیان نظر نسبت به عملکرد مسئولین، نهادها و سیاست‌ها، مشمول هیچ‌گونه عنوان مجرمانه‌ای نمی‌شود.

- هر اقدام امنیتی غیرخشن در ابتدا از حیث شمول عنوان جرم سیاسی، تحت این قانون باید رسیدگی شود.
- این قانونگذاری منافاتی با موجودیت جرائم علیه امنیت که شامل اقدامات خشونت‌آمیز یا مسلحانه علیه امنیت، اقدام بر ضد استقلال، تمامیت ارضی و ارزش‌های مقدس و همکاری با دشمن می‌شود، نخواهد داشت.

با تجدید نظر در عناوین مجرمانه‌ای مانند «جرائم در حکم محاربه» که با تعریف و ضوابط فقهی محاربه مطابقت ندارند، قابلیت شمول عنوان جرم سیاسی با احراز ضابطه قانونی برقرار شود.

منابع و مآخذ

۱. آقابابایی، حسین (۱۳۸۴). «گفتمان فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرائم علیه امنیت ملت و دولت»، نشریه حقوق اسلامی، ش ۵.
۲. افشین پور، مصطفی و مهدی نقوی (۱۳۹۷). «سیاست کیفری امنیت‌مدار ایران در تعدیل مجازات‌ها»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ش ۳۶.
۳. الهام، غلامحسین، امیرحسین بحیرایی و علی اصغر فرج‌پور اصل مرندی (۱۳۹۷). «گستره حق قیام و نسبت آن با بزه بغی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضایی، ش ۸۱.
۴. پاک‌نهاد، امیر (۱۳۹۲). «احساس ناامنی و ترس از جرم»، آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۵.
۵. پوربافرانی، حسن (۱۳۹۲). «بایدها و نبایدهای جرم‌انگاری در حقوق کیفری ایران»، مجلس و راهبرد، سال ۲۰، ش ۷۵.
۶. پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۷۵). جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ دوم، تهران، میزان.
۷. پیوندی، غلامرضا (۱۳۷۹). «تعریف، اقسام و استثنائات جرم سیاسی»، مجله نامه مفید، ش ۲۲.
۸. ... (۱۳۹۴). جرم سیاسی، چاپ دوم، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. حائری، محمدحسن، سیدمحمدتقی قبولی درافشان و سیده‌قدسیه موسوی مشهدی (۱۳۹۱). «نگرشی نو در رابطه جرم سیاسی با مفاهیم محاربه، افساد فی الارض و بغی»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۳.
۱۰. حبیب‌زاده، محمدجعفر، حمیدرضا دانش‌ناری و هانیه هژبرالساداتی (۱۳۹۲). «قانون مداری ماهوی در گفتمان تقنینی قضایی جمهوری اسلامی ایران»، دایرةالمعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، کتاب دوم، تهران، میزان.
۱۱. حبیب‌زاده، محمدجعفر و سیددربید موسوی مجاب (۱۳۸۵). «تحلیل جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران»، فقه و حقوق اسلامی، ش ۹.
۱۲. خسروی، کاظم و عبدالرضا اصغری (۱۳۹۶). «قانون جرم سیاسی در سنجه اصل (۱۶۸) قانون اساسی»، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۱۳.
۱۳. رحمانی، قدرت‌الله (۱۳۹۵). «تعریف جرم سیاسی الزام غیرمصلحت‌گرایانه قانون اساسی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، ش ۴.
۱۴. ... (۱۳۹۷). جرم سیاسی در حقوق ایران، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۵. ... (۱۳۹۱). نظریه یگانگی جرائم سیاسی و مطبوعاتی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۶. رحمانی، محمد (۱۳۹۴). مبانی سیاست جنایی تراز جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات مجد.
۱۷. رضایی، مهدی (۱۳۹۷). امنیت ملی، حقوق بشر، مشروعیت سیاسی در دمکراسی‌های شکننده، تهران، خرسندی.
۱۸. زینلی، محمدرضا (۱۳۷۸). جرم سیاسی و حقوق جزای اسلامی، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

چالش تشخیص جرائم سیاسی در قانون جرم سیاسی؛ با نگاهی به علت‌ها و آسیب‌ها _____ ۵۹

۱۹. سایت خبری الف (۱۳۹۹) به آدرس اینترنتی: <http://www.alef.ir/news/3991112094>.
۲۰. سایت خبرگزاری فارس (۱۳۹۹) به آدرس اینترنتی: <https://www.farsnews.ir/tehran/news/13990902001188>.
۲۱. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۰). *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*. چاپ پنجم، تهران، دانشگاه تهران.
۲۲. عالی پور، حسن (۱۳۹۵). «جرم سیاسی و بایسته‌های قانون اساسی»، *دیده‌بان امنیت ملی*، ش ۴۸ و ۴۹.
۲۳. عالی پور، حسن و نوروز کارگری (۱۳۹۶). *جرائم ضد امنیت ملی*، چاپ دوم، تهران، خرسندی.
۲۴. عباسی فرد، محمدرضا (۱۳۹۱). «جرم سیاسی در فقه اسلامی؛ واکاوی اصل (۱۶۸) قانون اساسی»، *مجله راهبرد*، ش ۶۵.
۲۵. قناد، فاطمه و مسعود اکبری (۱۳۹۶). «امنیت‌گرایی سیاست جنایی»، *پژوهش‌های حقوق کیفری*، سال پنجم، ش ۱۸.
۲۶. کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۸۳). «اصول منطقی حاکم بر تفسیر قانون اساسی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۶۶.
۲۷. کرمی، داود و هادی کرامتی معز (۱۳۹۵). «قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ در بوته نقد»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، سال ۱۲، ش ۳۷.
۲۸. کلانتری، کیومرث و پژمان پارسا (۱۳۹۵). «نگرشی نو به قانون جرم سیاسی»، *فصلنامه اندیشمندان حقوق*، سال چهارم، ش ۱۰.
۲۹. کوشکی، غلامحسین و نادر علیزاده سرشت (۱۳۹۴). «نگاهی به قلمرو جرائم امنیتی در پرتو صلاحیت دادگاه انقلاب»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، سال چهارم، ش ۱۴.
۳۰. محبی، جلیل (۱۳۸۹). «بایسته‌های تعریف جرم سیاسی در قاموس حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ش ۳۱.
۳۱. محمدنژاد، حیدر و رضا تاجیک (۱۳۹۷). «علل جرم‌انگاری حداکثری و بایدهای تحول ساختاری آن در ایران»، *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ش ۳۸.
۳۲. محمدی جورکویه، علی (۱۳۸۳). *مطالعه تطبیقی جرم سیاسی*، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۳۳. مجیدی، سید محمود (۱۳۸۶). «تشخیص بزه سیاسی و تأثیر رویه دیوان عالی کشور بر آن در فرانسه»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ش ۱۲.
۳۴. منصورآبادی، عباس (۱۳۹۵). *حقوق کیفری عمومی ۱*، تهران، میزان.
۳۵. میرمحمدصادقی، حسین و رشید قدیری بهرام‌آبادی (۱۳۹۴). «نقش و جایگاه سیاست در عدالت کیفری حاکم بر جرائم تروریستی»، *پژوهش حقوق کیفری*، ش ۱۳.
۳۶. میرمحمدصادقی، حسین و علی رحمتی (۱۳۹۴). «مصادیق عدول از اصول کلی حقوق کیفری در جرائم علیه امنیت»، *راهبرد*، ش ۷۶.
۳۷. نجفی توانا، علی (۱۳۹۲). «جرم شرافتمندانه»، *ماهنامه مهرنامه*، ش ۳۲.

۳۸. نوبهار، رحیم (۱۳۹۸). «از حفظ حکومت تا حفظ نظام»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال ۲۱، ش ۶.
۳۹. ... (۱۳۹۳). «جرم سیاسی و تقسیم بندی حد - تعزیر»، پژوهش های حقوق جزا و جرم شناسی، ش ۳.
۴۰. ... (۱۳۹۹). «مجازات اعدام: چشم اندازی اسلامی»، فصلنامه مدرس حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره ۱، ش ۱.
۴۱. نوریها، رضا (۱۳۸۴). «بیان در زندان»، نشریه تحقیقات حقوقی، ش ۴۱.

